

وضعیت حقوق بشری کودکان در افغانستان:

موارد نقض حقوق مدنی و سیاسی

اگست ۲۰۲۱-اکتبر ۲۰۲۳

نوامبر ۲۰۲۳





رواداری یک نهاد مستقل و غیر جانبدار است که با هدف نظارت بر وضعیت حقوق بشر، توسعه فرهنگ حقوق بشری در افغانستان و تلاش برای تأمین فرهنگ حسابدگی و عدالت قربانی محور تأسیس شده است. بنابراین، این نهاد با رعایت کامل اصل بی طرفی و احترام به تمامی اصول و معیارهای پذیرفته شده جهانی حقوق بشر، کار و فعالیت می‌کند که گزارش حاضر نیز در همین راستا و به منظور بازتاب واقع بینانه رویدادهای نقض حقوق بشر آن‌گونه که واقع شده است، منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
روش جمع‌آوری معلومات	۲
<hr/>	
بخش نخست- لغو قوانین ملی و تأثیر آن بر وضعیت حقوق بشری کودکان	۳
افزایش اشکال مختلف خشونت علیه کودکان	۵
افزایش ازدواج‌های اجباری و زودهنگام	۵
نکاح اجباری طالبان با دختران زیر سن	۶
افزایش اقدام به خودکشی در میان کودکان	۸
خشونت و بدرفتاری با کودکان در مکاتب	۹
آزار جنسی کودکان در مدارس دینی	۱۰
استفاده از کودکان به عنوان سرباز و نیروی نظامی	۱۲
<hr/>	
بخش دوم- نقض اصول محاکمه عادلانه و وضعیت حقوق بشری کودکان متخلف	۱۵
لغو قوانین اختصاصی کودکان	۱۷
رسیدگی به تخلفات کودکان از طریق مکانیسم‌های فرا قضایی	۱۷
عدم دسترسی به وکیل مدافع	۱۸
تأخیر در رسیدگی به دوسیه‌های کودکان	۱۸
نگهداری کودکان محجوز با زندانیان بزرگ سال	۱۹
شکنجه و بدرفتاری با کودکان محجوز	۲۰
برخورد تبعیض آمیز محاکم طالبان با کودکان	۲۰
اجرای مجازات ظالمانه بر کودکان	۲۲
<hr/>	
بخش سوم- نتیجه‌گیری و پیشنهادات	۲۴
نتیجه‌گیری	۲۵
پیشنهادات	۲۶
فهرست منابع	۲۷

مقدمه

در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ طالبان به قدرت بازگشت و به عنوان نخستین اقدام، اکثر قوانین قبلی به شمول قوانین اختصاصی مربوط به کودکان را ملغاً اعلام کردند. از آن زمان تا حالا که بیشتر از دو سال می‌گذرد، طالبان نه اقدامی برای تضمین حقوق اساسی کودکان انجام داده و نه به تعهدات و مکلفیت‌های قانونی خود بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر عمل کرده‌اند. بنابراین، در حال حاضر هیچ قانونی وجود ندارد که نقض حقوق اساسی کودکان را به صورت رسمی ممنوع و جرم‌انگاری کرده باشد. مسأله‌ی که منجر به افزایش اشکال مختلف رفتارهای مجرمانه علیه کودکان و معافیت مرتکبان آن از هرگونه پی‌گرد عدلی و قضایی شده است.

یافته‌های این گزارش نشان داده است که به دلیل فقدان مکانیسم‌های حقوقی بازدارنده و حمایتی، نقض حقوق اساسی کودکان از جمله ازدواج‌های اجباری و زود هنگام، اقدام به خودکشی، آزار جنسی، و دیگر اشکال خشونت و بد رفتاری در بخش‌های مختلف کشور افزایش یافته است که در این میان کودکان دختر با توجه به نگاه جنسیت‌زده و رفتار تبعیض‌آمیز گروه حاکم در وضعیت دشوارتری قرار دارند. همین‌طور، طالبان با کودکان دیگر گروه‌های قومی و مذهبی و کودکانی که پدران و یا اقارب نزدیک آن‌ها با حکومت پیشین کار کرده‌اند، رفتار تبعیض‌آمیز دارند.

از سوی دیگر، عدم التزام طالبان به رعایت اصول و موازین محاکمه عادلانه و به تبع آن نبود ظرفیت‌ها و حمایت‌های قضایی لازم، منجر به نقض حقوق بشری کودکان متهم به تخلف از قانون شده است. چنان‌که بر بنیاد شواهد و مدارک بدست‌آمده، طالبان دوسیه‌های متهمان کودک را اغلب از طریق مکانیسم‌های غیر قضایی حل و فصل می‌کنند.

با این وجود، فروپاشی نظام حقوقی و عدلی و قضایی افغانستان و به تبع آن فقدان مکانیسم‌های بازدارنده و حمایتی، محرومیت عمدی زنان و دختران از حق آموزش و حق کار و افزایش میزان فقر و مشکلات اقتصادی خانواده‌ها از مهم‌ترین عوامل مؤثر در بدتر شدن وضعیت حقوق بشری کودکان افغانستان می‌باشد.

گزارش حاضر عمدتاً ناظر بر وضعیت حقوق مدنی و سیاسی کودکان در دوره‌ی زمانی حکومت دو ساله امارت اسلامی طالبان از آگست ۲۰۲۱ تا اکتبر ۲۰۲۳ می‌باشد و انتظار می‌رود که یافته‌ها و پیشنهادات مندرج در آن مورد توجه مراجع ذیربط بین‌المللی، سازمان‌های حقوقی بشری، رسانه‌ها و گروه حاکم در افغانستان قرار گرفته و به این ترتیب گام‌های عملی برای تأمین دسترسی کودکان به حقوق و آزادی‌های انسانی شان برداشته شود.

روش جمع‌آوری معلومات

رواداری برای جمع‌آوری معلومات، اسناد، شواهد و مدارک مرتبط با نقض حقوق مدنی و سیاسی کودکان در افغانستان از تاریخ ۱۶ آگست تا ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳ در مجموع با ۱۸۱ تن از وکلای مدافع، کارمندان نهادهای عدلی و قضایی، قربانیان و اعضای خانواده‌های آنان، مسئولان مراکز صحتی و آموزشی، مدافعان حقوق بشر، خبرنگاران و فعالان فرهنگی در ۲۵ ولایت کشور، مصاحبه انجام داده است. مصاحبه شدگان شامل ۱۳۹ مرد، ۳۰ زن و ۱۲ کودک می‌شود. معلومات بدست‌آمده از منابع یادشده بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته و توسط ناظران رواداری پی‌گیری و مستند شده است.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان محدودیت‌های بیشتر و شدیدتری بر دسترسی به اطلاعات و به‌خصوص رویدادهای مرتبط با نقض حقوق بشر وضع کرده‌اند. تا جایی‌که قربانیان و اعضای خانواده‌های آن‌ها از هر نوع ابراز نظر در رسانه‌ها و یا صحبت با سازمان‌های حقوق بشر منع شده‌اند. لذا، جمع‌آوری و مستندسازی معلومات مندرج در این گزارش، از یک‌سو به دلیل اعمال محدودیت‌های سخت‌گیرانه توسط طالبان و از سوی دیگر به دلیل حساسیت‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه افغانستان، کار دشوار و پر چالشی برای رواداری بوده است. افزایش محدودیت‌ها بر کار و گشت و گذار زنان از سوی طالبان چالش عمده دیگر است که نظارت از وضعیت حقوق بشری زنان و کودکان دختر را دشوارتر می‌سازد. از این‌رو، آنچه در گزارش حاضر می‌آید می‌تواند بخشی از رویدادهای نقض حقوق بشری کودکان افغانستان را بیان کند. رواداری جداً باور دارد که موارد مشخص نقض حقوق کودکان بسیار بیشتر از آن است که در این گزارش توصیف شده است.

لازم به یادآوری است که به دلیل نگرانی‌های امنیتی، از ارائه جزئیات در مورد شهرت قربانیان و نیز تاریخ و محل دقیق شماری از رویدادهای نقض حقوق بشری عمداً خودداری شده است.

۱ کابل، غزنی، هرات، فندهار، ارزگان، هلمند، بدخشان، فاریاب، تخار، بامیان، دایکندی، غور، پنجشیر، قندوز، میدان وردک، پکتیا، پکتیکا، خوست، نیمروز، فراه، سرپل، بلخ، ننگرهار، جوزجان و سمنگان.

بخش نخست

لغو قوانین ملی و تأثیر آن بر وضعیت حقوق بشری کودکان



به موجب قوانین قبلی در افغانستان، تمامی اشکال خشونت و رفتارهای مجرمانه علیه کودکان ممنوع و جرم‌انگاری شده بود؛ اما **طالبان پس از بازگشت دوباره به قدرت، اکثر قوانین ملی از جمله قانون اساسی، قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال، قانون رسیدگی به تخلفات اطفال و قانون منع خشونت علیه زنان را لغو کردند. اکنون، نه قانونی برای مجازات مرتکبان جرایم علیه کودکان وجود دارد و نه طالبان طی دو سال گذشته به تعهدات و الزامات ناشی از الحاق افغانستان به اسناد بین‌المللی حقوق بشر، عمل کرده‌اند.**^۲

بنابراین، یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که طی دو سال گذشته به دلیل فروپاشی نظم حقوقی در کشور و فقدان ظرفیت‌ها و حمایت‌های قانونی مناسب، نقض حقوق اساسی کودکان و ارتکاب انواع خشونت علیه آن‌ها افزایش پیدا کرده است.

افزایش اشکال مختلف خشونت علیه کودکان

اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر حمایت از تمامیت جسمی و روانی کودکان و ممنوعیت بی‌قید و شرط ارتکاب هرگونه رفتار خشونت‌آمیز علیه آن‌ها تأکید نموده است. بر مبنای این اسناد، دولت‌ها مکلف اند تا اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را برای جلوگیری از نقض کرامت انسانی کودکان و اقدامات خشونت بار علیه آن‌ها، اجرا نمایند.^۳ با این وجود، اما امارت اسلامی طالبان طی دو سال گذشته به هیچ یک از مقررات مندرج در اسناد بین‌المللی برای حفاظت از حقوق اساسی کودکان عمل نکرده؛ بلکه با لغو قوانین قبلی، به گسترش زمینه‌های ارتکاب انواع خشونت و رفتارهای مجرمانه علیه کودکان کمک کرده‌اند.

افزایش ازدواج‌های اجباری و زود هنگام کودکان

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر ممنوعیت بی‌قید و شرط اجبار کودکان به ازدواج تأکید نموده و به رسمیت شناخته شدن عقد نکاح را منوط به رسیدن طرفین به سن قانونی ازدواج کرده است.^۴ تحقق این اصل، مستلزم تضمین آن به موجب قوانین داخلی می‌باشد که متأسفانه در افغانستان اکنون هیچ قانونی برای تعیین شرایط عقد نکاح و پیش‌گیری از ازدواج اجباری کودکان وجود ندارد. به همین دلیل و بر مبنای گزارش‌ها به خاطر گسترش فقر و مشکلات اقتصادی، باورهای سنتی و پائین بودن سطح آگاهی خانواده‌ها، ازدواج‌های اجباری و زود هنگام دختران در جریان دو سال اخیر، در سراسر کشور و به‌خصوص در روستاها و مناطق دور افتاده، افزایش یافته است.

از ولایت غور، منابع محلی به رواداری گفته که ازدواج‌های اجباری دختران زیر سن قانونی، به‌طور بی‌پیشینه افزایش یافته و در مواردی منجر به خودکشی قربانیان شده است. چنان‌که در تاریخ ۲۲ اکتبر سال ۲۰۲۲ یک

۲ افغانستان به اسناد متعدد بین‌المللی حقوق بشر پیوسته و کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک را در سال ۱۹۹۴ امضا کرده است. طالبان به عنوان گروه حاکم بر این کشور که قدرت سیاسی را در اختیار دارد، مکلف به رعایت تعهدات و مفاد مندرج در این اسناد می‌باشند.

۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب سال ۱۹۴۸، ماده ۵. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶، ماده ۷ و کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹، ماده ۱۹.

۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶، ماده ۲۳.

دختر ۱۷ ساله که بر خلاف رضایت‌اش به ازدواج با یک مرد مجبور شده بود، خودکشی کرد. یک منبع نزدیک به قربانی گفته است که او به این ازدواج رضایت نداشت و قبل از برگزاری مراسم عقد نکاح، با شلیک گلوله به زندگی‌اش پایان داد.

مهم‌ترین مساله در حال حاضر این است که ازدواج اجباری و زودهنگام کودکان در افغانستان، به صورت رسمی منع نشده و نیز برای عاملان آن مجازاتی در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل، رواداری به هیچ سند و معلوماتی نرسیده است که نشان بدهد در جریان دو سال گذشته حتا یک مورد از عاملان ازدواج اجباری کودکان، در محاکم طالبان مجازات شده باشد. نهادهای عدلی و قضایی شکایات مبنی بر ازدواج اجباری کودکان را از طریق مصالحه و مکانیسم‌های فرا قانونی، عمدتاً بدون توجه به رضایت دختران و زنان، حل و فصل می‌کنند.

افزون بر این، محرومیت عمدی زنان و دختران از حق آموزش از عوامل دیگری است که در افزایش ازدواج‌های اجباری و زودهنگام کودکان نقش اساسی دارد. به طور مثال **یک دختر باشنده ولایت غور که قبل از سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان دانش‌آموز صنف هفتم مکتب بود، مجبور به ازدواج شد. او گفته است که با مسدود شدن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها بر روی دختران، امیداش نسبت به آینده را از دست داده و مجبور به ازدواج شده است. در یک مورد مشابه دیگر، یک دختر ۱۵ ساله از ولایت غزنی به رواداری گفته است که آرزو داشت پس از فراغت از مکتب، دانشگاه برود و در رشته‌ی حقوق تحصیل کند؛ اما با بسته شدن دروازه‌های مکاتب و دانشگاه‌ها بر روی دختران، مجبور شده است که ازدواج کند.**

نکاح اجباری طالبان با دختران زیر سن

یافته‌های این گزارش نشان داده است که طالبان پس از بدست گرفتن قدرت در افغانستان، با اجبار دختران زیر سن قانونی را به نکاح خود در آورده‌اند. هرچند رهبر طالبان در مورد ممنوعیت ازدواج مجدد نیروهای خود فرمانی را صادر کرده بود؛ اما این فرمان در عمل رعایت نمی‌شود. رواداری رویدادهای متعددی از کودک همسری و ازدواج اجباری دختران زیر سن توسط مسئولان محلی طالبان را مستند کرده که در بخش‌های مختلف کشور ارتکاب یافته است. چنان‌که در ولایت نیمروز، یک مسئول محلی طالبان با زور یک دختر ۱۳ ساله را به نکاح خود در آورده است. خانواده قربانی به خاطر مشکلات اقتصادی و دلایل امنیتی، نتوانسته است نسبت به این رویداد اعتراض کند. در یک مورد دیگر در ولایت میدان وردک، یک دختر قیل از آن‌که به سن قانونی ازدواج برسد در بدل ۶۰۰ هزار افغانی به اجبار به نکاح یک طالب در آمده است.

همین‌طور، در تاریخ ۵ آگست ۲۰۲۳ ولسوال طالبان در «دولت آباد» ولایت فاریاب زمانی که می‌خواست یک دختر را به زور به نکاح محافظ خود که خواهر زاده‌اش می‌شود در بیاورد، با اعتراض مردم محل مواجه شد و ازدواج صورت نگرفت؛ اما حکومت محلی و نهادهای عدلی و قضایی طالبان در این مورد اقدامی نکردند.

همچنین، **یک فرمانده محلی طالبان در ولسوالی «امام صاحب» ولایت قندوز که قبلاً دوبار ازدواج کرده یک دختر ۱۵ ساله را با اجبار به عنوان زن سوم به نکاح خود در آورده است. خانواده قربانی ابتدا با این ازدواج موافق نبودند و رضایت نداشتند؛ اما پس از آن‌که توسط این فرمانده محلی طالبان مورد تهدید قرار گرفتند، آن را پذیرفتند. همین‌طور، در تاریخ ۲۴ آگست ۲۰۲۲ ولسوال طالبان در «درقد» ولایت تخار با آن‌که دو زن**

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طی دو سال گذشته، شماری از دختران زیر سن در بدل پول به نکاح مردان کهن سال درآورده شده‌اند. رواداری موارد متعددی را در ولایت‌های قندهار و هلمند مستند کرده که دختران ۱۴ و ۱۵ ساله به دلیل فقر و تنگدستی، به نکاح اجباری مردان بالاتر از ۵۰ سال در آورده شده‌اند. در این مورد یک تن از کارمندان نهادهای عدلی و قضایی حوزه قندهار گفته است که تعداد ازدواج‌های اجباری و زودهنگام دختران در مقایسه با سال‌های گذشته به صورت گسترده افزایش یافته است. همین‌طور، یک منبع دیگر از ولایت فراه به روداری گفته است که فروش دختران به بهانه‌ی ازدواج به یک فرهنگ تبدیل شده است؛ زیرا در عمل منع قانونی ندارد و مرتکبان آن مجازات نمی‌شوند، به‌طور مثال در یک سال سه دختر از یک خانواده در این ولایت، مجبور به ازدواج شده‌اند.



دارد یک دختر را با اجبار به نکاح خود در آورده است. در ولایت میدان وردک نیز یک فرمانده محلی طالبان با زور با یک دختر ازدواج کرده است. خانواده قربانی به این ازدواج رضایت ندارد و اکنون به دلایل امنیتی و نگرانی از عدم تأمین عدالت حاضر به شکایت و پیگیری این قضیه نیستند. در ولایت دایکندی نیز یک فرمانده محلی طالبان یک کودک را با زور به نکاح خود در آورده است. پدر قربانی از نظامیان سابق بود که قبلاً در جنگ با طالبان کشته شده است.

علاوه بر این، بر اساس معلومات بدست آمده، در ولایت‌های مشرقی نیز در جریان دو سال گذشته ده ها مورد از ازدواج اجباری مسئولان محلی طالبان با دختران زیر سن قانونی وجود دارد. اما بنابر ملاحظات امنیتی و حساسیت‌های فرهنگی موجود، کمتر علنی و افشا می‌شوند. طالبان حتا خانواده‌های قربانیان را تهدید کرده‌اند که از ارائه هر نوع اطلاعات به نهادها و افراد دیگر خود داری کنند.

افزایش اقدام به خودکشی در میان کودکان

نتایج بررسی‌های رواداری نشان می‌دهد که در جریان دو سال گذشته، اقدام به خودکشی در میان کودکان و نوجوانان به دلایل مختلف افزایش یافته است که در این میان، فقر و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین عوامل آن می‌باشد. چنان‌که گزارش‌های متعددی درباره بدتر شدن وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و گسترش فقر و گرسنگی در افغانستان تحت کنترل طالبان منتشر شده است. بر بنیاد یک ارزیابی برنامه انکشافی سازمان ملل متحد، شمار افرادی که در افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند دو برابر شده است.^۵ این وضعیت بر زندگی کودکان به صورت مستقیم اثر گذاشته که اقدام به خودکشی یکی از پیامدهای آن می‌باشد.

منابع محلی از ولایت غور به رواداری گفته است که تعداد قضایای اقدام به خودکشی در میان کودکان این ولایت به صورت بی‌پیشینه افزایش یافته است که بیشترین قربانیان آن را دختران تشکیل می‌دهند. همین‌طور، بر بنیاد معلومات بدست آمده از مراکز خدمات صحتی ولایت بامیان، پنجاه درصد مجموع قضایای ثبت شده خودکشی مربوط به کودکان پایینتر از ۱۸ سال می‌باشد. در ولایت بدخشان نیز طی دو سال گذشته حد اقل ۳۵ کودک دختر و پسر خودکشی کرده‌اند. در بخش‌های جنوبی و مشرقی کشور بر اساس معلوماتی که از مراکز خدمات صحتی بدست آمده، آمار قضایای اقدام به خودکشی کودکان در مقایسه با سال‌های پیشتر بلند رفته است.

بر بنیاد یافته‌های این گزارش، خشونت و بدرفتاری‌های خانگی، ازدواج‌های اجباری و زودهنگام، محرومیت از حق آموزش، مشکلات روانی و ناامیدی نسبت به آینده از دیگر عوامل مؤثر در افزایش اقدام به خودکشی کودکان می‌باشند.

خشونت و بدرفتاری با کودکان در مکاتب

در جریان دو سال گذشته، طالبان شمار زیادی از افراد مورد نظر خود را در بست‌های مدیر، آمر و معلم مکاتب استخدام کرده‌اند. این افراد که عمدتاً فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های دینی می‌باشند با روش‌های مناسب آموزشی و تربیتی آشنایی ندارند و بیشتر مرتکب تنبه و خشونت علیه کودکان می‌شوند.



زدن با چوب، خط کش، لین برق، لگد، سیلی، بوکس، کش کردن از گوش و مو، گذاشتن قلم در میان انگشتان، ایستاد کردن کودکان با یک پا، گذاشتن کفش در دهان کودکان، خفه کردن و کار اجباری یک روزه از شیوه‌های معمول و مروج تنبه کودکان در مکاتب می‌باشند.

یک کارمند ریاست معارف ولایت قندهار به رواداری گفته است که خشونت علیه کودکان در مکاتب افزایش یافته و مهم‌ترین دلیل آن استخدام مدیران، آمران و آموزگاران مکاتب از سوی طالبان می‌باشد که با دانش‌آموزان خشونت و بدرفتاری می‌کنند. این افراد در مورد پیامدهای روانی ناشی از خشونت و بدرفتاری با کودکان، آگاهی ندارند و فکر می‌کنند که تنبه دانش‌آموزان برای تربیت آن‌ها ضروری و مفید است. همین‌طور، یک دانش‌آموز از ولایت بدخشان گفته است که آن‌ها بیشتر توسط آموزگاران مورد خشونت و بدرفتاری قرار می‌گیرند که در جریان دو سال گذشته از سوی طالبان استخدام شده‌اند. او می‌گوید آموزگاران جدید، دانش‌آموزان را با مشت و لگد، گذاشتن قلم میان انگشتان، خفه کردن در آب و اجبار به انجام کار فیزیکی، تنبه می‌کنند.

وزارت معارف طالبان طی دو سال گذشته، نه برنامه‌های آموزشی و آگاهی دهی برای آموزگاران جدید برگزار کرده و نه اقدامی برای رسیدگی به خشونت و بدرفتاری با دانش آموزان انجام داده است. به طور مثال، در ماه جولای ۲۰۲۳ یک کودک در یکی از مکاتب ولایت قندهار به اندازهی توسط مدیر مکتب مورد لت و کوب قرار گرفت که برای تداوی و درمان به شفاخانه منتقل شد، اما ریاست معارف هیچ اقدامی برای رسیدگی به این قضیه انجام نداد.

از سوی دیگر، معلومات بدست آمده نشان می‌دهد که در شماری از ولایت‌ها طالبان دانش‌آموزانی را که پدران و یا یکی از بستگان شان در حکومت پیشین کار کرده است، بیشتر مورد خشونت و بدرفتاری قرار می‌دهند. منابع از ولایت غور به رواداری گفته است که شماری از دانش‌آموزان در مکاتب به این دلیل مورد رفتار خشونت‌آمیز آموزگاران خود قرار می‌گیرند که اقارب و بستگان آنها کارمندان حکومت پیشین بوده‌اند.

آزار جنسی کودکان در مدارس دینی

رواداری رویدادهای تکان دهنده‌ای از تجاوز جنسی بر کودکان در مدارس دینی را مستند کرده که در جریان دو سال گذشته توسط آموزگاران این مراکز صورت گرفته است. بر بنیاد معلومات بدست‌آمده، تنها بخش کوچکی از جرایم تجاوز جنسی علیه کودکان در مدارس دینی افشا و علنی می‌شود؛ زیرا از یک طرف کودکان قربانی فضا و فرصت صحبت کردن درباره‌ی آنچه بر آنها گذشته است را ندارند و از سوی دیگر حساسیت‌ها و موانع فرهنگی موجود در جامعه، موجب کتمان و مخفی نگه داشتن آن می‌شود. یک‌تن از امامان مساجد در ولایت بدخشان به رواداری گفته است که آزار جنسی کودکان در اکثر مدارس دینی این ولایت صورت می‌گیرد و تنها بخش بسیار اندک آن افشا می‌شود.

خانواده‌ها و بستگان قربانیان نیز به دلیل ترس از آسیب رسیدن به حیثیت و اعتبار اجتماعی شان، این قضایا را مخفی نگه می‌دارند و البته در موارد بسیار، طالبان مانع افشای آن می‌شوند. چنان‌که بر اساس یافته‌های این گزارش، طالبان خانواده‌های قربانیان را تهدید کرده‌اند که از هرنوع اظهار نظر در باره‌ی آزار جنسی کودکان در مدارس دینی خودداری کنند.

در یک مورد دیگر یک ملا امام مسجد در ولایت هرات بر یک دختر پنج ساله تجاوز جنسی کرد که قربانی با وضعیت بد صحتی برای درمان به شفاخانه منتقل شد. طالبان برای رسیدگی قانونی به این قضیه، هیچ اقدامی نکردند. همچنین، یک ملا امام دیگر در ولایت قندوز زمانی که در داخل یک کانتینر قصد تجاوز جنسی بر یک کودک از دانش‌آموزان خود را داشت توسط مردم محل شناسایی شد، اما منابع گفته‌اند که طالبان برای جلوگیری از بدنامی مدرسه‌های دینی، این قضیه را نادیده گرفتند و هیچ اقدام قانونی برای رسیدگی به آن انجام ندادند.

در حالی که تجاوز جنسی بر کودکان، جز جرایم شدید و از مصادیق نقض حقوق بشر به شمار می‌رود؛ اما عاملان آن در صورتی که مدرسین مدارس دینی باشند به دلیل جایگاه مذهبی و احترامی که در نزد طالبان دارند از هرنوع پی‌گرد حقوقی و مجازات مصئون می‌ماند.

در جریان سال ۲۰۲۳ یک آموزگار دینی در حوزه قندهار، بر یک پسر ۸ ساله تجاوز جنسی کرد و زمانی که اعضای خانواده قربانی متوجه وضعیت بد صحت کودک خود شدند به نزدیک‌ترین مرکز امنیتی مراجعه و شکایت کردند. یک عضو خانواده قربانی ماجرا را این‌گونه روایت کرده است: «ما وقتی متوجه این موضوع شدیم به نزدیک‌ترین پوسته امنیتی پولیس طالبان برای شکایت مراجعه کردیم، اما منسویین این مرکز به محض آن‌که متوجه شدند این جرم در یک مدرسه دینی صورت گرفته است به ما گفتند که رسیدگی به این قضیه مسئولیت آن‌ها نیست. سپس ما به حوزه امنیتی مراجعه کردیم اما آمر حوزه تأکید می‌کرد که این موضوع را بزرگ نکنید، بروید با شخص متجاوز گفتگو و تفاهم کنید و او را ببخشید.» خانواده قربانی می‌گوید: «زمانی که از حوزه‌های امنیتی ناامید شدیم برای پی‌گیری شکایت خود به اداره امر به معروف طالبان مراجعه کردیم که در این مرحله شخص متجاوز بازداشت و کودک قربانی برای انجام معاینات صحتی و اثبات ادعای مطرح شده به شفاخانه معرفی شد. شفاخانه به صورت رسمی و طی یک استعلام، تجاوز جنسی را تأیید کرد؛ اما اداره امر به معروف طالبان آن را نمی‌پذیرفتند و به شخصی که جواب استعلام را به آن اداره برده بود گفتند که تو ریش نداری و ما نظر تان را قبول نداریم. ما اصرار کردیم و سرانجام قضیه را به طب عدلی محول کردند که در آن‌جا نیز تأیید شد اما دو روز بعد خبر شدیم که شخص متجاوز از زندان رها شده است.» خانواده قربانی گفته است که از این رویداد نمی‌تواند چشم‌پوشی کند و آن را همچنان پی‌گیری خواهد کرد.

در مدت دو سال گذشته کودکان قربانی آزار جنسی به مراقبت‌های لازم صحتی، مشاوره روانی و مساعدت حقوقی نیز دسترسی نداشته و طالبان زمینه فعالیت نهادهای حامی کودکان را محدود کرده‌اند. به‌طور مثال در ولایت دایکندي طالبان عمداً مانع فعالیت دو نهاد حامی حقوق کودکان شده و به آن‌ها اجازه‌ی کار نداده‌اند.

استفاده از کودکان به عنوان سرباز و نیروی نظامی

بر اساس کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، استخدام و به‌کارگیری کودکان به‌عنوان نیروی نظامی شدیداً ممنوع است.^۶ همچنین، پروتکل اختیاری این کنوانسیون به‌کارگیری و هرگونه ارتباط کودکان با نهادهای نظامی را ممنوع اعلام کرده است.^۷ اساسنامه محکمه بین‌المللی جزایی نیز استفاده از کودکان را به‌عنوان نیروی نظامی در درگیری‌ها و جنگ‌ها و همچنین به‌کارگیری کودکان به‌عنوان نیروی نظامی در زمان صلح را منع نموده و آن‌را به‌عنوان جرم بین‌المللی و جنایت جنگی به رسمیت شناخته است.^۸

همین‌طور، قطع‌نامه شماره ۱۶۱۲ سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید استفاده از کودکان را به‌عنوان سرباز یا نیروی نظامی ممنوع اعلام نموده است. با این وجود، طالبان در جریان دو سال گذشته بدون هیچ‌گونه توجه و اعتنا به اسناد یاد شده، در بخش‌های مختلف کشور کودکان زیر سن را به‌عنوان سرباز و نیروی نظامی استخدام کرده‌اند. هرچند رهبر طالبان فرمانی را برای ممنوعیت استخدام کودکان صادر کرده است؛ اما کسی در عمل آن‌را رعایت نمی‌کند. چنان‌که شواهد و مدارک بدست‌آمده نشان می‌دهد که یک باب مدرسه بزرگ دینی در منطقه «زمینداور» ولسوالی «کجکی» ولایت هلمند، کودکان زیر سن را به بهانه‌ی آموزش علوم دینی جذب می‌کند اما در واقع به آن‌ها آموزش نظامی می‌دهند. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که این مدرسه توسط طالبان کنترل می‌شود و کودکان به‌منظور استفاده نظامی، در آن آموزش می‌بینند.

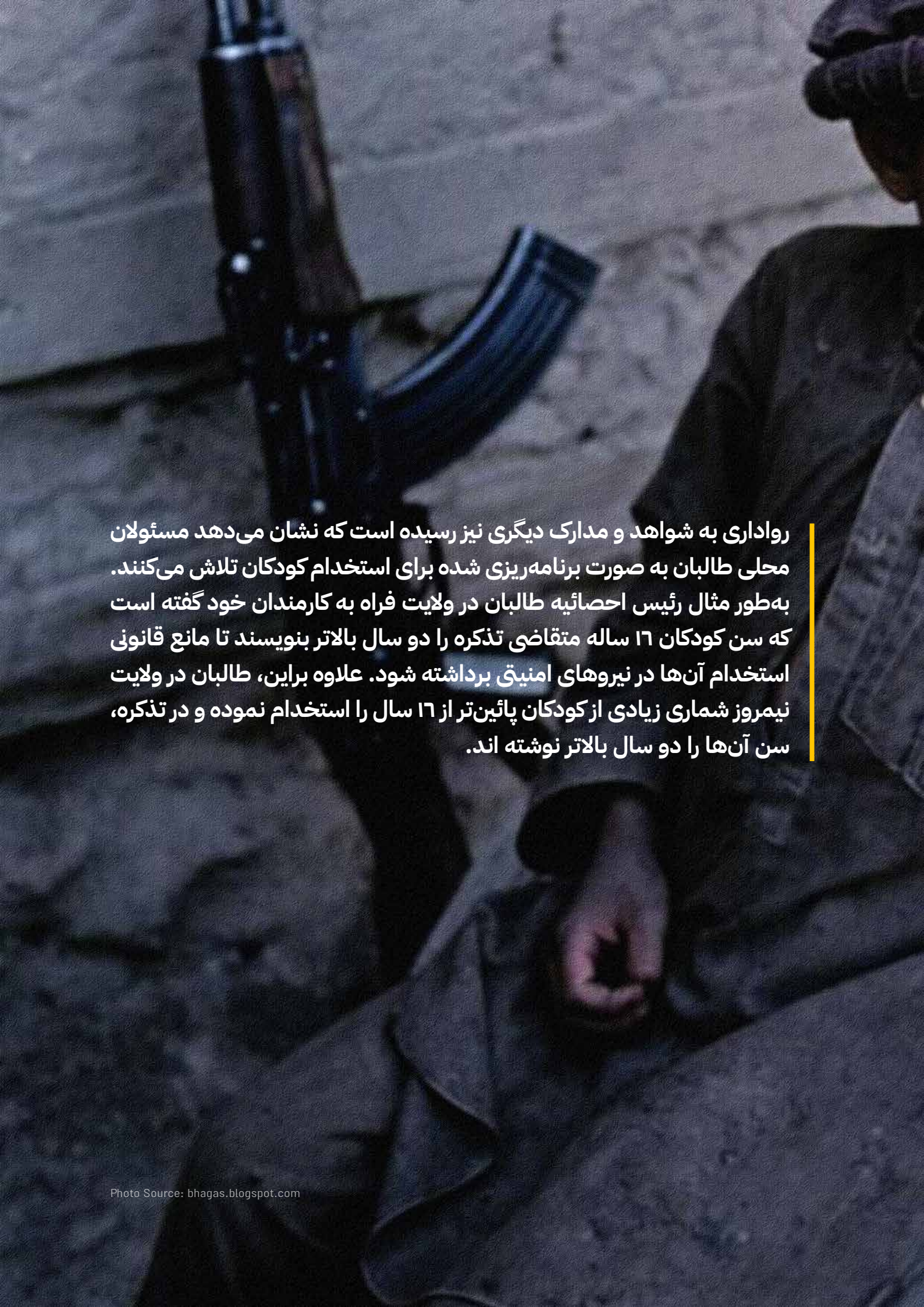
علاوه بر این، رواداری به معلوماتی دست یافته است که نشان می‌دهد شماری از امامان مساجد و مسئولان محلی امارات اسلامی طالبان در ولایت‌های جنوبی به‌صورت علنی برای تشویق کودکان به آموزش شیوه‌های خشونت‌آمیز جنگ و پیوستن به صفوف نیروهای طالبان، تبلیغات می‌کنند. این مسأله علاوه بر نقش شماری از مراکز دینی در زمینه ترویج اندیشه‌های بنیادگرایانه و افراطی در جریان سال‌های اخیر، اثرات زیانباری بر نوع یادگیری و تربیت اجتماعی کودکان به‌جا گذاشته است. **چنان‌که دو کودک ۱۵ ساله و ۱۴ ساله از ولایت هلمند به رواداری گفته‌اند که دوست دارند به مدرسه بروند و فنون جنگی را بیاموزند تا در صفوف نیروهای طالبان فعالیت کنند.**

بر بنیاد یافته‌های این گزارش، بخشی از کودکانی که در جریان دو سال گذشته به‌عنوان سرباز و نیروی نظامی استخدام شده، شامل کسانی‌اند که پدران و دیگر بستگان نزدیک‌شان به‌عنوان نیروهای طالبان در جنگ با دولت جمهوری اسلامی افغانستان کشته شده‌اند. طالبان به‌عنوان قهرمانان از این دسته افراد، کودکان شان را در بخش‌های نظامی استخدام کرده‌اند. شمار دیگر از این کودکان از اقارب و بستگان نزدیک فرماندهان محلی

۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹، بند ۳، ماده ۳۸.

۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پروتکل اختیاری کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۲۰۰۰.

۸ اساسنامه محکمه بین‌المللی جزایی، مصوب سال ۱۹۹۸.

A person in a dark uniform is holding a rifle. A magazine is visible in the foreground. The background is a textured wall.

رواداری به شواهد و مدارک دیگری نیز رسیده است که نشان می‌دهد مسئولان محلی طالبان به صورت برنامه‌ریزی شده برای استخدام کودکان تلاش می‌کنند. به‌طور مثال رئیس احصائیه طالبان در ولایت فراه به کارمندان خود گفته است که سن کودکان ۱۶ ساله متقاضی تذکره را دو سال بالاتر بنویسند تا مانع قانونی استخدام آن‌ها در نیروهای امنیتی برداشته شود. علاوه براین، طالبان در ولایت نیمروز شماری زیادی از کودکان پائین‌تر از ۱۶ سال را استخدام نموده و در تذکره، سن آن‌ها را دو سال بالاتر نوشته‌اند.

طالبان می‌باشند که با هدف افزایش تعداد نیروهای نظامی طالبان به کار گرفته شده‌اند. منابع به رواداری گفته است که طالبان بستگان و خویشاوندان خود را تشویق می‌کنند که کودکان خود را در صفوف نیروهای نظامی بفرستند تا تعداد نیروهای مورد اعتماد آن‌ها بیشتر شود. به‌طور مثال یک کودک ۱۷ ساله باشنده ولایت میدان وردک گفته است که: «وقتی طالبان قدرت را بدست گرفت مکتب را ترک کردم و اکنون با برادرم که قوماندان یک کاندک می‌باشد به عنوان سرباز کار می‌کنم. خوشحالم که در این وظیفه استخدام شده‌ام و امیدوارم در آینده یک قوماندان کلان شوم.»

همچنین، یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که **شماری از کودکان پسر، ظاهراً به‌عنوان محافظ، منشی، خدمه و یا راننده مقامات طالبان اما در واقع برای سؤ استفاده جنسی استخدام شده‌اند. به‌طور مثال یک مسئول محلی طالبان در ولایت غور بر محافظ خود که یک کودک کم سن و سال است تجاوز جنسی نمود و قربانی در حالت بد صحنی به شفاخانه منتقل و بستری شد. در یک مورد دیگر یک مسئول محلی طالبان در شمال کشور بارها بر محافظ خود که یک پسر ۱۵ ساله می‌باشد تجاوز جنسی کرده بود. این قضیه توسط یک تن از همکارانش افشا شد؛ اما طالبان هیچ اقدام قانونی نکردند و کودک قربانی هنوز به عنوان محافظ و راننده این فرد وظیفه اجرا می‌کند.** در ولایت دایکندی نیز، طالبان شماری از کودکان را در کاندک‌ها و پوسته‌های امنیتی استخدام نموده و آن‌ها را مورد استفاده جنسی قرار می‌دهند.

اکثریت کودکانی که به‌عنوان محافظ، منشی، خدمه یا راننده مقامات طالبان کار می‌کنند، معمولاً بین سنین ۱۴-۱۸ هستند و ظاهر جذاب‌تر دارند. شماری از آن‌ها به‌صورت غیر رسمی استخدام شده‌اند که مقامات طالبان از «پول امتیازی» خود برای آن‌ها معاش پرداخت می‌کنند.

معضل حضور کودکان در صفوف نیروهای نظامی و منازعات مسلحانه در افغانستان چیز تازه‌ی نیست؛ اما مسأله این است که اکنون هیچ قانونی برای ممنوعیت استخدام کودکان در این کشور نافذ نیست و طالبان به قوانین بین‌المللی در این زمینه نیز، اعتنایی نمی‌کنند.

افزون براین گزارش‌های از حضور کودکان در صفوف نیروهای «جبهه مقاومت ملی» نیز وجود دارد که در جنگ علیه طالبان شرکت می‌کنند. به‌طور مثال در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲ یک کودک ۱۶ ساله که از سربازان «جبهه مقاومت ملی» بود، پس از تسلیم شدن به طالبان، با جمعی از همکاران خود توسط طالبان تیر باران شد.

بخش دوم

نقض اصول محاکمه عادلانہ و وضعیت حقوق بشری کودکان متخلف



بر مبنای اسناد بین‌المللی حقوق بشر، کودکان متهم به نقض قانون مشمول تمام حمایت‌ها و حقوقی هستند که برای بزرگسالان در فرایند محاکمه عادلانه باید رعایت شود. افزون بر این، به دلیل شرایط جسمی و روحی کودکان، اسناد مذکور حمایت‌ها، اصول و تشریفات خاصی را نیز برای محاکمه کودکان مقرر کرده است که هدف آن حفظ کرامت انسانی و رعایت حقوق بشری کودکان متهم به نقض قانون، تسریع روند رسیدگی به دوسیه‌ها و حصول اطمینان از اصلاح و تربیت مجدد آن‌ها می‌باشد.^۹ یافته‌های این گزارش نشان داده است که در نهادهای عدلی و قضایی طالبان هیچ یک از اصول و معیارهای بین‌المللی ناظر بر محاکمه کودکان رعایت نمی‌شود و نیز هیچ قانونی برای تعیین طرز رسیدگی قضایی به دوسیه‌های آن‌ها وجود ندارد. امری که موجب هرج و مرج گسترده و سرانجام نقض حقوق بشری کودکان متهم و متخلف شده است.

در این مبحث به مهم‌ترین مشکلاتی که در فرایند محاکمه و رسیدگی به دوسیه‌های متهمان کودک وجود دارد پرداخته می‌شود.

لغو قوانین اختصاصی کودکان

چنان‌که در بخش‌های قبلی گزارش نیز مطرح شد که طالبان تمامی قوانین اختصاصی کودکان را لغو کردند و به همین دلیل در حال حاضر هیچ مکانیسم حقوقی که متضمن حقوق بشری کودکان باشد و طرز رسیدگی قضایی به دوسیه‌های آنان را مشخص کند وجود ندارد. اکنون برداشت‌های سخت‌گیرانه فقهی جای قوانین را گرفته و محاکم طالبان بر اساس فتوا و فرامین رهبر شان به حل و فصل دوسیه‌های جزایی و حقوقی می‌پردازند. رسیدگی به دوسیه‌های متهمان کودک نیز تابع همین شرایط است. البته طرز رسیدگی قضایی به تخلفات کودکان از یک ولایت تا ولایت دیگر و از یک محکمه تا محکمه دیگر متفاوت است.

باید یادآوری کرد که شمار بسیار اندکی از دوسیه‌های کودکان متخلف عمدتاً در قضایای فرار از منزل به قصد ازدواج و جرایم اخلاقی به صورت رسمی در محاکم رسیدگی می‌شوند. اکثر دوسیه‌های کودکان آن‌گونه که در ادامه خواهد آمد، از طریق مکانیسم‌های غیر قضایی و توسط مراجع غیرمسئول حل و فصل می‌شوند.

رسیدگی به تخلفات کودکان از طریق مکانیسم‌های فرا قضایی

علاوه بر لغو قوانین اختصاصی که بحث آن گذشت، طالبان تمامی نهادها و بخش‌های اختصاصی مربوط به کودکان از جمله سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی را از تشکیل نهادهای عدلی و قضایی خود حذف کرده اند. سارنوالی‌ها و محاکم اختصاصی، با صلاحیت قانونی رسیدگی به دوسیه‌های کودکان تأسیس شده بودند و نقش مهمی در رعایت اصول و موازین محاکمه عادلانه داشتند. اکنون هیچ بخش مشخصی در نهادهای عدلی و قضایی طالبان برای تحقیق و رسیدگی به تخلفات کودکان وجود ندارد.

با این وصف، یافته‌های گزارش حاضر نشان می‌دهد که اغلب دوسیه‌های مربوط به کودکان برای رسیدگی به محاکم محول نمی‌شوند، بلکه از طریق مکانیسم‌های غیر قضایی حل و فصل می‌شوند که در این میان ادارات

۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹، مواد ۳۷ و ۴۰.

مانند امر به معروف، قوماندانی‌های امنیه، حوزه‌های امنیتی، والی‌ها، ولسوالان، جرگه‌های قومی، وکلای گذر و بزرگان محلی هر کدام نقش مهمی در رسیدگی به دوسیه‌های متهمان کودک دارند. محاکم طالبان حتا قضایای حاد نقض حقوق کودکان را برای حل و فصل به این مراجع ارجاع می‌کنند. به‌طور مثال در ولایت دایکندی محکمه طالبان یک قضیه تجاوز جنسی دو مرد بر یک دختر را برای حل و فصل به متنفذین محل راجع کرده‌اند. رواداری قضایای را نیز مستند کرده است که حوزه‌های امنیتی و آمریت‌های امر به معروف طالبان پس از بازداشت کودکان، در مورد حل و فصل دوسیه‌ها و تعیین نوع و میزان مجازات برای آن‌ها تصمیم گرفته‌اند. این کودکان پس از آن‌که مجازات خود را در حوزه‌های امنیتی سپری کرده رها شده‌اند. لت و کوب، شلاق زدن و جریمه نقدی از جمله مجازات‌های اند که در حوزه‌های امنیتی و آمریت‌های امر به معروف بر کودکان تطبیق می‌شوند.

هم‌چنین، یافته‌های ناظران رواداری نشان می‌دهد که دوسیه‌های کودکان متهم به جرایم علیه امنیت ملی عملاً به محاکم فرستاده نمی‌شوند. بلکه اداره استخبارات و حوزه‌های امنیتی این کودکان را مجازات می‌کنند و آن‌ها را ماه‌ها در نظارت‌خانه‌ها نگهداری می‌کنند. این کودکان در مواردی تا ماه‌ها اجازه ندارند که با خانواده‌های خود در تماس باشند.

عدم دسترسی به وکیل مدافع

یافته‌های رواداری نشان می‌دهد که متهمان کودک، به وکیل مدافع و مساعدت‌های حقوقی دسترسی ندارند. در حالی‌که تضمین این حق یکی از مهم‌ترین اصول و معیارهای محاکمه عادلانه می‌باشد. اسناد بین‌المللی حقوق بشر این حق را برای کودکان در تمام مراحل تحقیق و محاکمه به رسمیت شناخته است.^{۱۰} دسترسی به وکیل مدافع و مساعدت‌های حقوقی از آن جهت مهم است که کودکان با توجه به شرایط سنی متفاوتی که دارند نمی‌توانند از خود در برابر محکمه دفاع نمایند.

معلومات بدست‌آمده نشان می‌دهد که محاکم طالبان محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ی را در این زمینه وضع و اجرا می‌کنند. به‌طور مثال ملاقات وکیل مدافع با متهمان، مشروط به اجازه کتبی محاکم می‌باشد و نیز وکلای مدافع مکلف‌اند که برای اثبات وکالت خود از جانب کودکان، دو شاهد در محکمه حاضر نمایند. با این وجود، در شماری از ولایت‌ها از جمله در ولایت هلمند و پنجشیر محاکم طالبان در مورد دوسیه‌های جزایی کودکان اصلاً وکیل مدافع را قبول ندارند. اما در تعدادی از ولایت مانند قندهار، غزنی، میدان وردک، پکتیکا، پکتیا، دایکندی و خوست این محدودیت درباره دوسیه‌های جزایی وجود ندارد ولی به دلیل مشکلاتی که مطرح شد کودکان عملاً نمی‌توانند به وکیل مدافع و مساعد حقوقی دسترسی داشته باشند. چنان‌که طی دو سال اخیر حتا یک کودک متخلف، به وکیل مدافع و مساعد حقوقی دسترسی نداشته است.

تأخیر در رسیدگی به دوسیه‌های کودکان

رسیدگی به دوسیه‌های کودکان متهم به نقض قانون، باید در مدت معقول و بدون تأخیر غیر مؤجه صورت

۱۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹، د، ماده ۳۷ و ۲ (ب)، ماده ۴۰.

گیرد.^{۱۱} اما در حکومت طالبان نه طرز رسیدگی قضایی به تخلفات کودکان مشخص است و نه مدت نظارت و توقیف آنها. هرچند موارد محدودی از دوسیه‌های کودکان به‌خصوص اتهامات مبنی بر ارتکاب جرایم غیر اخلاقی و یا فرار از منزل در محاکم رسیدگی می‌شوند؛ با آن هم اگر دوسیه‌های کودکان متهم به جرایم مذکور، توسط خانواده‌های شان تعقیب و پی‌گیری نشوند متهمان کودک برای مدت‌ها در محلات سلب آزادی بی‌سرنوشت می‌مانند. زیرا **در حال حاضر در افغانستان هیچ قانونی برای تعیین مدت زمان نظارت، توقیف و حجز کودکان وجود ندارد. به‌طور مثال، در ماه مارچ ۲۰۲۲ یک کودک ۱۴ ساله به اتهام سرقت ۱۰۰ افغانی مدت سه ماه در بازداشت طالبان بوده است.** در ولایت دایکندی نیز معلوماتی وجود دارد که متهمان کودک تا یک سال در نظارت خانه‌های بزرگسالان در ولسوالی‌ها نگهداری شده اند.

نگهداری کودکان مجوز با زندانیان بزرگسال

در جریان دو سال گذشته، طالبان شمار زیادی از مراکز اصلاح و تربیت کودکان را در سراسر کشور مسدود نموده و کودکان مجوز را با زندانیان بزرگسال یکجا نگهداری می‌کنند. امری که مصداق صریح نقض اصول محاکمه عادلانه و عدول از مقررات اسناد بین‌المللی حقوق بشر به شمار می‌رود. زیرا اسناد بین‌المللی از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی بر لزوم جدا سازی کودکان از متهمان بزرگسال تأکید کرده است. بر مبنای مقررات اسناد یادشده، نگهداری کودکان محروم از آزادی باید تابع نظام متناسب با سن و وضع قانونی آنها باشد.^{۱۲} اما طالبان با مسدود کردن تعدادی از مراکز اصلاح و تربیت کودکان، اکنون از زندان بزرگسالان برای بازداشت و توقیف کودکان استفاده می‌کنند. به طور مثال، در ولایت‌های قندهار و ارزگان، پسران را در مرکز اصلاح و دختران زیر سن را با زنان بزرگسال یکجا در زندان نگهداری می‌کنند.

در ولایت نیمروز نیز طالبان مرکز اصلاح و تربیت کودکان را مسدود نموده و به این ترتیب به تعداد ۳۱ کودک بین سنین ۸ - ۱۷ سال در زندان عمومی یکجا با زندانیان بزرگسال نگهداری می‌شوند. در ولایت پنجشیر، طالبان کودکانی را که متهم به جرایم جنایی می‌باشند در مرکز اصلاح و کودکانی که متهم به «جرایم سیاسی» می‌باشند را در نظارت خانه‌ها، توقیف خانه‌ها و محابس نگهداری می‌کنند. همین‌طور، در ولایت غور و هرات طالبان مرکز اصلاح و تربیت کودکان را در زندان عمومی انتقال داده و کودکان مجوز را در آنجا نگهداری می‌کنند. همچنین، در ولایت‌های قندوز، تخار، بغلان و بدخشان طالبان کودکان را مانند متهمان بزرگسال تا زمان صدور حکم محکمه در نظارت خانه‌ها و زندان‌ها نگهداری می‌کنند و پس از آن که محکمه در مورد دوسیه‌های آنها تصمیم گرفت به مرکز اصلاح منتقل می‌شوند.

نگهداری کودکان با زندانیان بزرگسال نقض صریح حقوق بشر به‌شمار می‌رود؛ زیرا رفتار زندانیان بزرگسال به لحاظ روانی و تربیتی می‌تواند پیامدهای زیانباری به همراه داشته باشد، انگیزه‌های جرمی را در کودکان تقویت کند و آنها را در معرض خطر رفتارهای مجرمانه و به‌خصوص آزار جنسی و دیگر اشکال خشونت و بدرفتاری قرار بدهد. **چنان‌که در ولایت غزنی در جریان یک سال اول حاکمیت طالبان، کودکان یک‌جا با زندانیان بزرگسال**

۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب سال ۱۹۶۶، بند ۳، ماده ۹.

۱۲ همان، ماده ۱۰.

نگهداری می‌شدند که شکایات متعددی مبنی بر آزار جنسی آنها توسط زندانیان مطرح شد. پس از آن و به دلیل اعمال فشارها، طالبان مجبور شدند که ساختمان جداگانه‌ای را در داخل محبس برای کودکان محجوز اختصاص بدهند.

شکنجه و بدرفتاری با کودکان محجوز

به موجب اسناد بین‌المللی حقوق بشر شکنجه و تعذیب افراد به صورت مطلق ممنوع است و هیچ‌کس نباید تحت هیچ شرایطی مورد شکنجه، آزار و رفتار و مجازات ظالمانه و غیر انسانی قرار گیرد. این حق برای کودکان نیز تضمین شده است. در بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک آمده است: «هیچ کودکی نباید تحت شکنجه، یا سایر رفتارهای بی‌رحمانه و غیر انسانی قرار گیرد...»^{۱۳}

بر بنیاد معلومات بدست‌آمده، بیشترین بدرفتاری و شکنجه کودکان در حوزه‌های امنیتی صورت می‌گیرد. چنان‌که مسئولان یک حوزه امنیتی در ولایت غزنی یک کودک متهم به سرقت بایسکل را مورد لت و کوب و شکنجه شدید قرار داده بود. در ماه اپریل ۲۰۲۲ طالبان سه کودک زیر سن را در مرکز ولایت و ولسوالی «ناوه میش» ولایت دایکندی به دلیل این‌که پدران شان در حکومت قبلی کار کرده بودند، بازداشت کردند. این کودکان در حوزه‌های امنیتی به شدت شکنجه شدند تا جایی‌که یکی از آنها با مشکلات جدی روانی مواجه شده بود.

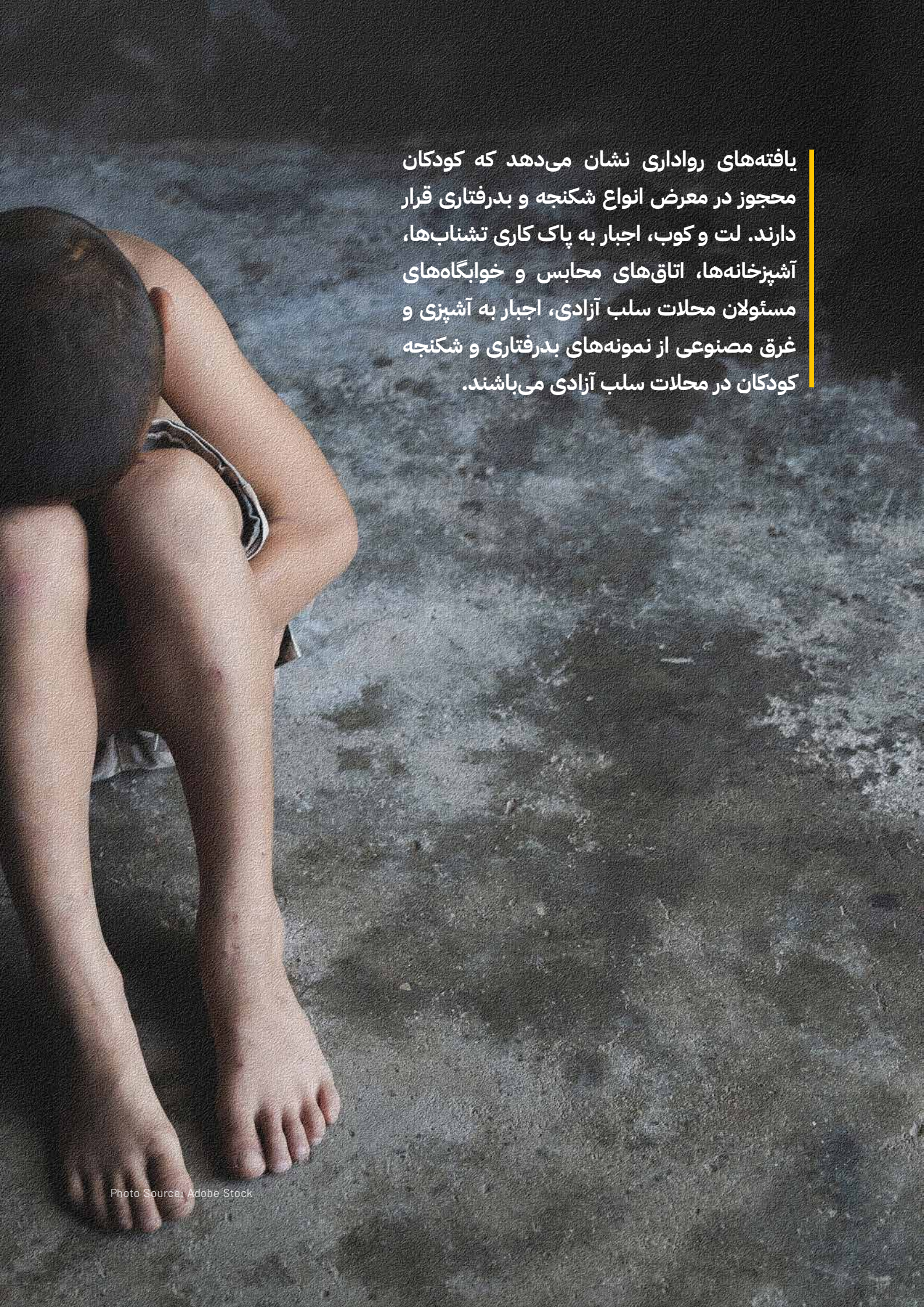
در ولایت کابل و پنجشیر، رواداری مواردی را مستند کرده است که کودکان متهم به ارتکاب جرایم علیه امنیت ملی و همکاری با گروه‌های مخالف، توسط پولیس و استخبارات طالبان بازداشت و در حوزه‌های امنیتی به شدت شکنجه شده‌اند. این کودکان از ابتدای گرفتاری تا زمان رهایی مورد لت و کوب قرار گرفته و تا چندین ماه اجازه صحبت با خانواده‌های خود را نداشته‌اند. هم‌چنین در ولایت غور، طالبان کودکان محجوز را برای پاک‌کاری آشپزخانه، تشناب‌ها و آب آوردن مجبور می‌کنند.

برخورد تبعیض‌آمیز محاکم طالبان با کودکان

نتایج بررسی‌های رواداری نشان می‌دهد که طالبان در رسیدگی به دوسیه‌های کودکان متهم به تخلف از قانون، رفتار متفاوت و تبعیض‌آمیز دارند و در مورد آنها نه بر مبنای نوع اتهام بلکه با توجه به جنسیت و قومیت شان تصمیم می‌گیرند. چنان‌که محاکم طالبان در اغلب موارد، مخصوصاً در قضایای فرار از منزل به قصد ازدواج و جرایم غیر اخلاقی، برای دختران مجازات شدیدتری تعیین می‌کنند و رفتار سخت‌گیرانه‌تری با آنها دارند.

یک منبع از ولایت بدخشان گفته است که طالبان به صورت علنی می‌گویند که: «زنان و دختران منبع فساد و فتنه هستند و اگر از خانه بیرون نشوند مردان به تنهایی توانایی انجام هیچ عمل جرمی را ندارند». مسئولان محلی طالبان در این ولایت حتی در خطبه‌های نماز جمعه بارها گفته‌اند که زنان و دختران «سفیران شیطان و منبع فساد و فحشا هستند و مردان را گمراه می‌کنند.» این نوع ذهنیت در مورد زنان و دختران، تصامیم و

۱۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹.



یافته‌های روانداری نشان می‌دهد که کودکان
محبوز در معرض انواع شکنجه و بدرفتاری قرار
دارند. لت و کوب، اجبار به پاک‌کاری تشناب‌ها،
آشپزخانه‌ها، اتاق‌های محابس و خوابگاه‌های
مسئولان محلات سلب آزادی، اجبار به آشپزی و
غرق مصنوعی از نمونه‌های بدرفتاری و شکنجه
کودکان در محلات سلب آزادی می‌باشند.

فیصله‌های قضایی محاکم را نیز متأثر کرده است. چنان‌که منابع از نهادهای عدلی و قضایی در ولایت غور و قندهار به رواداری گفته اند که در قضایای فساد اخلاقی و فرار از منزل به قصد ازدواج، محاکم نسبت به دختران رفتار سخت‌گیرانه‌تری دارند و معمولاً در این نوع قضایا دختران را مقصر می‌دانند و می‌گویند که «دختران پسران را تحریک می‌کنند.»

همین‌طور، طالبان در برخورد با متهمان کودک که از اقارب و بستگان شان باشند رفتار متفاوتی دارند و معمولاً برای آن‌ها مجازات کمتری در نظر می‌گیرند و یا به راحتی به برائت آن‌ها حکم می‌کنند. مثلاً در ولایت نیمروز هرگاه کودکان متخلف نسبت قومی و خانوادگی با قضات و کارکنان نهادهای عدلی و قضایی طالبان داشته باشند مجازات نمی‌شوند اما در مورد سایر کودکان که متعلق به دیگر گروه‌های قومی باشند، رفتار سخت‌گیرانه‌تر دارند.

اجرای مجازات ظالمانه بر کودکان

اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به رعایت تناسب بین مجازات و نوع جرایم ارتکاب یافته توسط کودکان تأکید نموده و نیز اجرای مجازات شدید و تحقیرآمیز را حتا اگر به مقصد اصلاح و تربیت کودکان باشد ممنوع اعلام کرده است. از سوی دیگر، مقتضیات سنی و مصالح کودکان ایجاب می‌کند که محاکمه آن‌ها نباید علنی برگزار شود و حکم صادر شده نباید منتشر شود.^{۱۴} اما طالبان طی دو سال گذشته کودکانی زیادی را به اتهام ارتکاب اعمال جرمی، در اماکن عمومی و در حضور مردم مجازات کرده‌اند. مجازات علنی کودکان متهم به ارتکاب جرایم اخلاقی به یک رویه‌ی معمول مبدل شده و محاکم طالبان بدون اعتنا به مقتضیات سنی و مصالح کودکان و نیز بدون هیچ‌نوع تحقیق و جمع‌آوری دلایل اثبات جرم، آن‌ها را در حضور مردم مجازات می‌کنند. چنان‌که در تاریخ ۱۶ فبروری ۲۰۲۳ طالبان یک پسر و دختر زیر سن را در ولایت بدخشان به اتهام ارتباط تلفنی در محضر عام شلاق زدند. هم‌چنین، در ولایت میدان وردک طالبان یک پسر ۱۷ ساله را به دلیل پیدا نمودن آهنگ در تلفن‌اش مورد لت و کوب قرار داده و موهای سرش را تراشیدند. همین‌طور، در تاریخ ۲۷ جون ۲۰۲۲ طالبان دو کودک را به اتهام دزدی در شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان بازداشت و سر و صورت شان را سیاه نموده و با موتر در داخل شهر گرداندند و به مردم نشان دادند.

۱۴ جمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹، ماده ۴۰.

بخش سوم

نتیجه‌گیری و پیشنهادات



نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه در این گزارش آمد، واقعیت این است که کودکان افغانستان در حال حاضر در وضعیت بحرانی و فوق‌العاده دشواری قرار دارند. زیرا لغو قوانین قبلی و به تبع آن فروپاشی نظم حقوقی در کشور، پالیسی‌ها و رویکرد تبعیض‌آمیز امارت اسلامی طالبان نسبت به زنان و دختران، عدم اذعان و توجه به نیازهای ویژه کودکان از سوی مراجع مسئول و نبود نهادهای ناظر و مدافع حقوق بشر چنان‌که در این گزارش مطرح شد، زمینه‌های افزایش اشکال مختلف خشونت و رفتارهای مجرمانه علیه کودکان را فراهم کرده است.

از این میان افزایش ازدواج‌های اجباری و زودهنگام، خودکشی، تجاوز جنسی، فقدان مکانیسم‌ها و حمایت‌های قضایی مناسب و نقض اصول محاکمه عادلانه از مهم‌ترین چالش‌های اند که وضعیت نگران‌کننده و دشوار کودکان افغانستان را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، فقر گسترده و مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، محرومیت عمدی زنان و دختران از حق کار و حق آموزش و سنت‌ها و باورهای نادرست فرهنگی موجود در جامعه افغانستان، از دیگر عواملی اند که به منجر به بحرانی‌تر شدن وضعیت حقوق بشری کودکان شده است.

رسیدگی به این چالش‌ها و بهبود وضعیت کودکان افغانستان مستلزم اقدامات قانونی و اجرای تدابیر متناسب با نیازها و مقتضیات سنی کودکان می‌باشد که متأسفانه طالبان به عنوان گروه حاکم بر افغانستان نه تنها به این مکلفیت حقوقی خود عمل نمی‌کنند بلکه آن‌گونه که در این گزارش توضیح داده شد خود مرتکب نقض حقوق بشری کودکان می‌شوند.

پیشنهادات

رواداری با توجه به یافته‌های خود از وضعیت جاری کودکان در افغانستان، موارد ذیل را به جامعه جهانی، سازمان‌های حقوق بشری و مقامات حاکم پیشنهاد می‌کند.

الف - به جامعه جهانی

- تأمین حقوق انسانی کودکان افغانستان مستلزم حمایت و تضمین آن به موجب قوانین داخلی می‌باشد. بنابراین، از جامعه جهانی و سازمان‌های حقوق بشری می‌خواهیم که برای اعتبار بخشیدن به قوانین نافذ قبلی و مخصوصاً اجرای قوانین اختصاصی مربوط به کودکان، با استفاده از روش‌ها و ابزارهای قانونی بر طالبان اعمال فشار نمایند.
- تجاوز جنسی بر کودکان و استفاده از آن‌ها به‌عنوان نیروی نظامی از مصادیق شدید نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود و چنان‌که در این گزارش مطرح شد، در حال حاضر کودکان زیادی در افغانستان معرض این رفتار مجرمانه قرار دارند. از جامعه جهانی می‌خواهیم که در چهارچوب اسناد بین‌المللی حقوق بشر برای رسیدگی به این مسأله، تدابیر و اقدامات مؤثری را عملی نماید.
- افزایش فقر از عوامل تاثیر گذار بر نقض حقوق مدنی و سیاسی کودکان است. تسریع تلاش‌های بین‌المللی برای دوام و افزایش کمک‌های بشردوستانه و کاهش فقر در افغانستان می‌تواند در بهبود وضعیت کودکان موثر باشد.
- از سازمان ملل متحد می‌خواهیم که برای رسیدگی به وضعیت حقوق بشری کودکان متخلف و حصول اطمینان از دسترسی آن‌ها به محاکمه عادلانه، به‌صورت منظم و مداوم بر عملکرد نهادهای عدلی و قضایی طالبان و به‌خصوص وضعیت محلات سلب آزادی نظارت نماید.

ب - به مقامات حاکم

- از مقامات حاکم می‌خواهیم که با اجرای قوانین نافذ قبلی و مخصوصاً قوانین اختصاصی کودکان به مکلفیت‌های حقوقی خود برای حمایت از حقوق بشری کودکان، عمل نمایند.
- از مقامات حاکم می‌خواهیم که به معیارها و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر در برخورد با کودکان متخلف احترام گذاشته و به نهادهای حامی حقوق کودکان اجازه فعالیت بدهند.
- به جرایم تجاوز جنسی و استفاده از کودکان به‌عنوان سرباز و نیروی نظامی و استخدام آن‌ها به‌عنوان خدمه، منشی و راننده پایان بدهند و بیشتر از این کارنامه نقض حقوق بشری خود را سنگین‌تر نکنند.
- مرتکبان جنایات علیه کودکان باید پاسخ‌گو قرار داده شوند و به شکایات قربانیان و خانواده‌های شان رسیده‌گی به موقع و قانونی صورت گیرد.
- مقامات حاکم باید به تبعیض بر مبنای جنسیت و قومیت و هم‌چنان رفتار ظالمانه در برابر کودکانی که وابستگان شان در حکومت قبلی کار می‌کردند، پایان دهند.
- از مقامات حاکم می‌خواهیم که با بازگشایی آن عده مراکز اصلاح و تربیت کودکان که قبلاً آن‌ها را مسدود کرده اند، زمینه‌های اصلاح و تربیت مؤثر کودکان متخلف را فراهم نموده و از نقض حقوق بشری آن‌ها جلوگیری نمایند.
- از مقامات حاکم می‌خواهیم که برای پایان دادن به آزار جنسی کودکان در مراکز آموزشی مخصوصاً در مدرسه‌های دینی اقدام مؤثر نموده و مرتکبان آن‌را مجازات نمایند.

فهرست منابع

- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر، ۱۹۶۶.
- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸.
- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۸۹.
- مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پروتکل اختیاری کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، مصوب سال ۲۰۰۰.
- اساسنامه محکمه بین‌المللی جزایی، مصوب سال ۱۹۹۸.
- <https://www.undp.org/afghanistan/publications/afghanistan-socio-economic-outlook-2023>



رواداری
RAWADARI

www.rawadari.org